

در آرزوی حرفه‌ای شدن!

آسیب‌شناسی حرفه گزارشگری در رادیوهای ما

❖ بهزاد کریمی

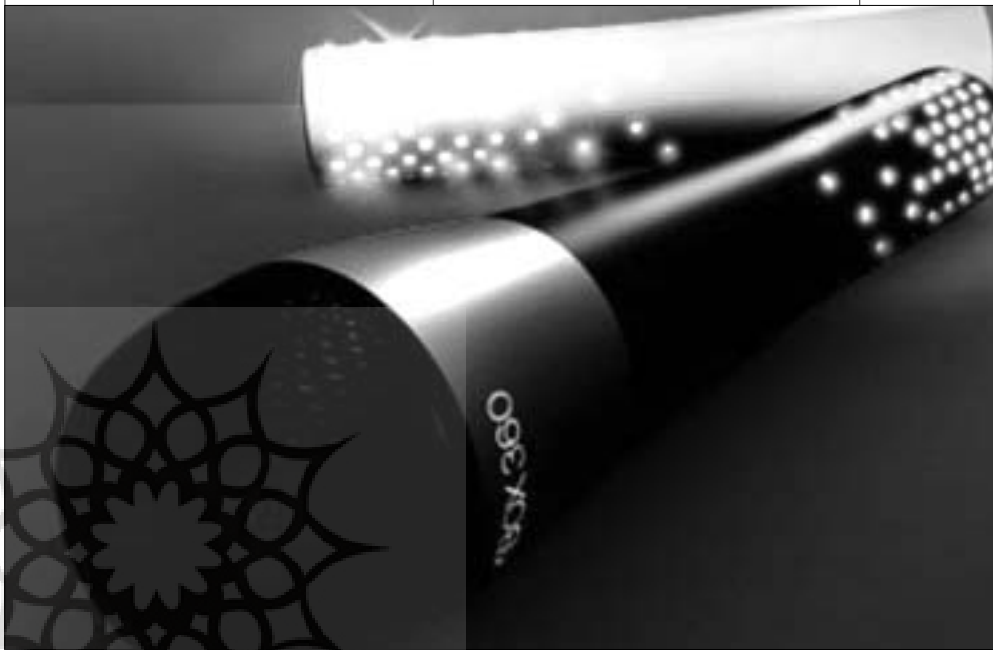
گزارشگر رادیو ایران

اشاره

در این مجال سعی بر آن است تا از طریق نگاهی آسیب‌شناسانه، آفت‌ها و بیماری‌هایی که ممکن است حرفه‌ای به نام «گزارشگری رادیو» را از یک حرفه مهم و کارا در برنامه‌سازی به یک شغل کارمندی و حاشیه‌ای تبدیل کند، مورد تجزیه، تحلیل و بازشناسی قرار گیرد. مؤلف با بررسی مباحثی که به شکل مکتوب درباره گزارشگری رادیو در اینجا و آنجا وجود دارد و مقایسه آن با آنچه به شکل عملی در رسانه رادیو شاهد آن هستیم، کاستی‌هایی را برشمرده است و چند راهکار را هم پیشنهاد می‌کند.

اگر عوامل، منظور مفهوم اصطلاحی آن در رادیو است، بیشتر برنامه‌های رادیو را مجموعه‌ای مرکب از تهیه‌کننده، گوینده، صدابردار و گزارشگر بدانیم، بی‌گمان نقش یک گزارشگر به عنوان حلقه رابط میان استودیو و فضای بیرون آن، نقش پررنگ و سزاوار توجه ویژه است. از این رو، پیش‌فرض نوشتار پیش رو آن است که اگر حرفه گزارشگری حرفه‌ای به معنایی که مطلوب همه رسانه‌های دنیاست جدی گرفته نشود، این نقیصه نه تنها مانع رشد و بالندگی حرفه‌ای به نام گزارشگری رادیو می‌شود که خود رسانه نیز از آفت‌های کوچک و بزرگ آن ایمن نمی‌ماند.

برای بررسی هر چه بهتر آفت‌ها و کاستی‌های پیش روی حرفه گزارشگری رادیو، ضمن تقسیم آسیب‌ها به دو بخش کلی آسیب‌های «نظری» و «عملی» یا اجرایی و همچنین پرداختن به برخی مباحث جزئی این حرفه از تجربه‌های عملی چندین ساله خود نیز بهره گرفته‌ام. در مطالعه این نوشتار آنچه نباید از نظر دور داشت، توجه و تأکید ویژه بر مفهوم «آسیب‌شناسی» است؛ به این معنا که در تجزیه و تحلیل مباحث نگاه این نوشتار بیشتر یک نگاه هم‌دلانه است نه منتقدانه.



مفهوم آسیب‌شناسی حرفه گزارشگری رادیو

آسیب‌شناسی (Pathology) اصولاً اصطلاحی است که در علوم زیستی و پزشکی متعارف بوده است و رفته رفته وارد سایر رشته‌های علوم نظیر جامعه‌شناسی، مدیریت و دیگر رشته‌ها شده است. به تعبیر دیگر: «آسیب‌شناسی شاخه‌ای از دانش است که هدف آن شناخت بیماری‌های روانی- تنی اجتماعی و نحوه تکوین، رشد و دگرگونی آن است» (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۵۷۱). با توجه به مقدمه بالا، مراد ما از آسیب‌شناسی حرفه گزارشگری رادیو شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که وجود آمدن و تداوم آنها می‌تواند فرایند تحقق اهداف این حرفه را در رسانه متوقف و یا به صورت محسوس کند.

آسیب‌های حرفه گزارشگری رادیو

مطالعه مباحث گوناگون پیرامون گزارشگری رادیو به همراه سال‌ها تجربه عملی در این حرفه مؤید وجود برخی علائم و نشانه‌های دال بر بروز

و ظهور آسیب‌ها، نابسامانی‌ها و به عبارت دقیق‌تر بیماری‌هایی است که از ابعاد مختلف قابل تقسیم‌بندی و مطالعه است. در یک تقسیم‌بندی کلی آسیب‌های این حرفه را می‌توان به دو دسته بزرگ زیر تقسیم‌بندی کرد:

- آسیب‌های نظری؛

- آسیب‌های عملی یا اجرایی.

آسیب‌های نظری

منظور از آسیب‌های نظری عبارت است از نابسامانی‌های مشهود و ناشی از اندیشه و تفکر و به عبارت بهتر، ناشی از مبانی نظری و رویکردهای انتخاب‌شده برای گزارش و گزارشگری. به عنوان نمونه، تعریف رایج گزارش در میان برنامه‌سازان و گزارشگران رادیو عبارت است از: «ساختاری رادیویی که در بیرون از استودیو برای بیان یک واقعه، که می‌تواند توصیفی و تحلیلی نیز باشد، به کار گرفته می‌شود». (نقل به مضمون از کلاس‌های توران علی، جشنواره رادیو، ۱۳۸۴) نگاهی حتی گذرا به جنبه‌های گوناگون این تعریف رایج حاکی از نوعی نگاه تقلیل‌گرایانه

است؛ تقلیل‌گرایانه به این معنا که در یک ساختار حرفه‌ای از مجموعه ساختارهای ده‌گانه اصلی و بنیادین برنامه‌سازی مانند: مجله، نمایش، گفت و گو، مصاحبه، میزگرد و... تعریف گزارش در حد یک ارتباط دوسویه میان داخل و خارج استودیو فرو کاسته می‌شود. نتیجه این‌گونه رویکردها به مقوله حرفه‌ای گزارش، آن چیزی می‌شود که امروز در اغلب برنامه‌های رادیویی شاهد آن هستیم؛ جمله‌هایی مانند: «...یک چرخ مقابل در ورودی سازمان بزنی حتماً چند گزارش پیدا خواهی کرد!» یا «یک چرخ چند دقیقه‌ای یا یکی - دو ساعته در سطح شهر مشکل گزارش برنامه را حل خواهد کرد!!» در میان برنامه‌سازان و گزارشگران آنقدر متداول است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد. ناگفته نپیداست برابند این‌گونه نگاه و تلقی‌های نظری از ساختار گزارش و گزارشگری زمینه‌ساز چندین آسیب خواهد بود که برخی از آنها عبارتند از:

الف- هرگونه گپ و گفت روزمره کوتاه با مردم گزارش تلقی می‌شود؛

ب- همه افراد شرکت کننده در این گپ و گفت‌های روزمره، شأن و به تعبیر رسانه‌ای «اعتبار» تخصصی پیدا می‌کنند؛

ج- با پخش گپ و گفت‌های کوتاه و بلند روزمره سلیقه مردم را شکل می‌دهیم و به شکل غیرمستقیم به آنها می‌آموزیم که در مدت زمانی کوتاه، فی‌البداهه و بدون اندکی مطالعه می‌توان حرف زد و در جایگاه یک صاحب‌نظر نشست؛

د- غیرحرفه‌ای دیدن گزارش و متعاقب آن تهیه آن زمینه غیرحرفه‌ای استفاده شدن در برنامه را هم با خود حمل می‌کند. به بیان دقیق‌تر، وقتی قالب برنامه «ب»، «ج» و مثلاً ترکیبی و مانند آن است، گزارش جزء جدایی‌ناپذیر آن تلقی می‌شود و هر دستاورد فراهم‌آمده در بیرون استودیو به عنوان گزارش به کار می‌رود؛ آنقدر که حتی جای آن هم در برنامه مهم نیست، بلکه باید برنامه «گزارش» داشته باشد!

گپ و گفت‌های روزمره، مصاحبه، خبر، گفت و گو، گزارش‌های تحلیلی، مستند، توصیفی، خبری و... به صرف اینکه در خارج از استودیو تهیه می‌شوند، در چارچوب گزارش‌های مصطلح دیده می‌شوند. حال آنکه می‌دانیم از دیدگاه حرفه‌ای هر کدام از قالب‌های نامبرده ساختار و به ویژه «اجرای» خودشان را دارند. کمترین آسیب این نوع نگرش به مقوله گزارشگری و گزارش، نخست خراب‌کردن سلیقه مخاطب نسبت به برنامه‌های رسانه رادیو و در وهله دوم، تسهیل و دم‌دستی دیدن برنامه‌سازی و به ویژه گزارش‌های تهیه‌شده است.

ه- آسیب بزرگ دیگری که نگاه تقلیل‌گرایانه مورد اشاره به حرف گزارشگری تحمیل می‌کند، مخدوش کردن تعریف حرفه‌ای انواع ساختارهای برنامه‌سازی است که گزارش یکی از آنهاست. به تعبیر دیگر، گپ و گفت‌های روزمره، مصاحبه، خبر، گفت و گو، گزارش‌های تحلیلی، مستند، توصیفی، خبری و... به صرف اینکه در خارج از استودیو تهیه می‌شوند، در چارچوب گزارش‌های مصطلح دیده می‌شوند. حال آنکه می‌دانیم از دیدگاه حرفه‌ای هر کدام از قالب‌های نامبرده ساختار و به ویژه «اجرای» خودشان را دارند. کمترین آسیب این نوع نگرش به مقوله گزارشگری و گزارش، نخست خراب‌کردن سلیقه مخاطب نسبت به برنامه‌های رسانه رادیو و در

وهله دوم، تسهیل و دم‌دستی دیدن برنامه‌سازی و به ویژه گزارش‌های تهیه‌شده است.

مورد دیگری که در حوزه آسیب‌های نظری گزارشگری رادیو سزاوار توجه ویژه است، از نتایج منفی تعریفی است که از گزارش متداول شده فروکاستن ویژگی‌های یک گزارشگر در حد فراهم‌کننده گپ و گفت‌های روزمره از بیرون استودیوست. نتیجه این نوع نگاه زمینه‌ساز این تصور شده و می‌شود که هر کسی که بتواند با چند نفر از مردم به اصطلاح در سطح شهر، حرف بزند گزارشگر است و کار او گزارش. حال آنکه حرف‌زدن با مردم کوچه و بازار با همه سختی‌هایی که برای گزارشگر دارد، می‌تواند یکی از ابتدایی‌ترین ویژگی‌های یک گزارشگر باشد. دکتر محسنیان‌راد در کتاب **روش‌های مصاحبه خبری**، که باز یکی دیگر از ویژگی‌ها و توانایی‌های یک گزارشگر است، ده ویژگی عمده برای یک مصاحبه‌گر، و در اینجا گزارشگر، برمی‌شمرد؛ خصوصیاتى مانند:

- داشتن ذوق و استعداد نویسندگی، نداشتن دشواری در انتخاب کلمات و ساختن جملات؛
- کنجکاو، تیزبینی و نکته‌سنجی؛
- داشتن هوش بیش از حد متوسط جامعه؛
- توانایی جوشش با طبقات مختلف مردم؛
- صبر و حوصله زیاد؛
- داشتن توانایی‌های جسمی و روانی برای دوندگی‌های اضطراری؛
- قدرت تفکر سریع؛
- عشق به کار خبری؛
- اعتقاد به رعایت اصول اخلاقی، حرفه‌ای و

داشتن تقوا؛

- نداشتن خودبینی، غرور و تکبر، انزواجویی، ساده‌لوحی، تعصب فکری، فضل‌فروشی، گزافه‌گویی و تندخویی. (محسنیان‌راد، ۱۳۸۰: ۴۸)

با توجه به آنچه رفت، آسیب‌های کوچک و بزرگ دیگری را هم می‌توان برشمرد که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره شد.

آسیب‌های عملی یا اجرایی

منظور از آسیب‌های عملی یا اجرایی در حوزه گزارشگری رادیو آن دسته از آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجرایی و عملیاتی است که در حوزه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان رسانه رادیو قابل بررسی است، که در جای خود بی‌ارتباط با

آسیب‌های نظری که پیش از این به آن پرداخته شد، نخواهد بود. مهم‌ترین آسیب‌هایی که در این مختصر می‌توان به آنها اشاره کرد عبارتند از:

- شغل تلقی‌شدن حرفه گزارشگری و نگاه کارمندگونه به آن؛

به‌عنوان نمونه بارها شنیده شده است که گفته‌اند: «...به این گزارشگرها دو برابر برآورد فعلی گزارش را هم که بدهید، بهتر از این نمی‌توانند گزارش تهیه کنند...»

- انتخاب گزارشگران رسانه رادیو بر اساس صدای خوب و نه سواد و خلاقیت؛ همه می‌دانیم «صدا» عنصر اساسی رادیوست و این صدا هر چه رادیویی‌تر باشد، بهتر است. اما تأکید بیش از حد بر خوبی صدای گزارشگر به وجودآورنده چندین آسیب جدی است که یکی از آنها پایین‌بودن سطح تحصیلات گزارشگران و دیگر، کم‌رنگ‌بودن تحلیل و توصیف‌های حرفه‌ای در گزارش‌هایی است که همه روزه آنها را می‌شنویم. جز آن، ایجاد حس غرور و خودشیفتگی در گزارش‌هایی است که از میان ده‌ها ویژگی یک گزارشگر یا گوینده تنها صدای خوب را دارا هستند و کیست که نداند در دنیای امروز صرف داشتن صدای رادیویی نشان برتری نیست، بلکه برتری سواد، ذوق، خلاقیت، معلومات عمومی، اجرا و مانند اینها هم بسیار اثرگذار و مهم است. این درست مثل آن است که هر خواننده خوش‌صدا را خواننده خوب بدانیم بی آنکه ردیف بداند، ساز بشناسد، شعر بفهمد، تلفیق شعر و موسیقی را درک کند و ده‌ها ویژگی دیگر را دارا باشد.

نگاه دایره‌المعارفی رسانه به گزارشگران

در توضیح این آسیب همین بس که صدای یک گزارشگر را در چندین گروه برنامه‌ساز می‌شنویم. این نوع به‌کارگیری نیروهای گزارشگر، حتی گزارشگران با سابقه از جمله آسیب‌های جدی حرفه گزارشگری در رادیوست. آسیب‌های این روش به‌کارگیری نیروها را می‌توان در چند مورد کلی خلاصه کرد:

اولاً، موضوع و نحوه اجرای هر گزارش در هر برنامه سرسری گرفته‌شده و در اصطلاح، موجب «کم‌مایه‌شدن» گزارش‌ها می‌شود.

ثانیاً، کار در گروه‌های گوناگون برنامه‌ساز نه از روی علاقه، ذوق و به ویژه رشته تحصیلی یا

علاقه مطالعاتی که برای به‌دست‌آوردن حقوق و «برآورد» بیشتر صورت می‌گیرد.

ثالثاً، ازدست‌دادن ذوق و علاقه گزارشگرانی که اگر به شکل جدی و بر اساس سواد، معلومات، علاقه و دغدغه‌های رسانه‌ای در یک گروه جذب و به کار گرفته شوند، بی‌گمان پس از چندی نه بر یک گزارشگر صرف که به یک «تحلیل‌گر» تبدیل می‌شوند. نمونه اینگونه سخن، به‌کارگیری حرفه‌ای نیروهای گزارشگر را در روزنامه‌ها می‌توان دید که در اصطلاح، سرویس دیپلماتیک، سرویس انرژی و یا سرویس کشاورزی دارند و برای گزارش‌های نفت و گاز گزارشگر اقتصادی یا کشاورزی را نمی‌فرستند. چیزی که متأسفانه در رادیو از دید مدیران رسانه دور مانده است.

رابعاً، خراب‌کردن سلیقه مخاطبی است که میل دارد و منطقی می‌داند که «هر کس سر کار خودش» باشد. به این معنا که صدای گزارشگر برنامه‌های بهداشتی را در برنامه‌های اخلاقی، سیاسی و یا اقتصادی نشنود. گو اینکه این آسیب مختص به گزارشگران نیست و شامل گویندگان و به ویژه تهیه‌کنندگان نیز هست! پوشیده نیست که هر یک از حوزه‌های نام‌برده‌شده، ذوق، سواد، معلومات، زبان و به ویژه «اجرای» مخصوص خودشان را طلب می‌کند.

نگاه گوینده‌محور یا «استودیومحور» و تضعیف بخش گزارش

همه می‌دانیم که برای تهیه یک گزارش در حد همان گپ و گفت‌های مرسوم روزمره رادیو چه مقدمات عدیده‌ای لازم است. از طرح ماجرا با گزارشگر، از آفیش حمل و نقل بیست و چهار ساعت پیش‌فرستاده، تهیه آفیش خروج ناگرا و متعلقات از نوار و ادیت گرفته تا ترافیک و هوای بیرون استودیو و اقبال مردم به گپ و گفت و ... همه و همه دست به دست همه می‌دهند تا گزارش آماده شود. با همه این فراز و فرودها فراوان دیده‌ایم که گزارش در یک برنامه ۶۰ تا ۹۰ دقیقه‌ای امکان پخش نیافته است! چرا که «وقت نشده!» آسیب این نوع نگاه «باری به هر جهت» و استودیومحور ایجاد حس بی‌تفاوتی و به ویژه بی‌انگیزگی در همکاران گزارشگر است که دود آن بیش از هر کس به چشم شنونده می‌رود که باید یک ساعت تا یک ساعت و نیم سخنان حکیمانه افراد داخل استودیو را گوش کند!

کیست که نداند در
دنیای امروز صرف
داشتن صدای
رادیویی نشان
برتری نیست،
بلکه برتری سواد،
ذوق، خلاقیت،
معلومات عمومی،
اجرا و مانند اینها
هم بسیار اثرگذار
و مهم است .
این درست مثل
آن است که هر
خواننده خوش‌صدا
را خواننده خوب
بدانیم، بی‌آنکه
ردیف بداند، ساز
بشناسد، شعر
بفهمد، تلفیق شعر
و موسیقی را درک
کند و ده‌ها ویژگی
دیگر را دارا باشد.

نگاه بیش از حد جانب‌دارانه و منفعلانه رسانه به گزارش‌ها و مصاحبه‌ها با مسئولان سازمان‌ها و نهادها

نتیجه اینگونه نگاه دو آسیب جدی را فراهم کرده است :

الف- پرسش‌های گزارشگران کاملاً کلیشه‌ای و همه‌شمول است. پرسش‌هایی مانند: چه احساسی دارید؟ یا چه انگیزه و هدفی این کار صورت گرفته یا چه توصیه‌ای دارید؟ و... که با عبارت همیشگی: «برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم» به پایان می‌رسد. این فرم دائمی گزارش، گفت‌وگو، مصاحبه و ... گزارشگران را همه‌ف‌حریف، لاقید به مطالعه و جست‌وجوی سوابق پیشین کار با فرد طرف مصاحبه بار آورده است؛ آنقدر که شنیدن «خودم می‌دانم چه باید بپرسم» از سوی گزارشگران امری شگفت‌آور به نظر نمی‌آید.

ب- به دلیل نگاه منفعلانه رسانه به

گزارشگری رادیو آسیب‌ها و آفت‌های این حرفه در دو دسته آسیب‌های نظری و آسیب‌های عملی یا اجرایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا به دنبال آن، به مهمترین عوامل آسیب‌رسان به تحقیق این حرفه مهم، پویا و به ویژه کارا در عرصه برنامه‌سازی رادیو اشاره شود. تداوم هر یک از آسیب‌های برشمرده‌شده در این مجال می‌تواند به بخش‌های دیگر نیز تسری پیدا کند و موجب افت کیفی برنامه و به تبع آن، از دست دادن مخاطبان رادیو شود. در پایان این جمع‌بندی چند پیشنهاد هم ارائه می‌کنیم:

- بازتعریف متناسب با نیازهای امروز رسانه از گزارش و گزارشگری؛

- آموزش‌های مداوم برای این حرفه؛

- تقسیم‌بندی گزارشگران بر اساس علاقه، ذوق و تحصیلات در گروه‌های برنامه‌ساز متناسب با آن ذوق و تحصیلات و تأمین مالی مناسب در همان گروه؛

تیلور با یادآوری اینکه اکثر خبرهای امروز از چند خبرگزاری معدود تهیه می‌شوند، این پدیده را «انحصار با ماسک تکثر و تصویر ناکهانی با ماسک جام جهان‌نما» می‌نامد. از نظر تیلور درمان بیماری مطبوعات و رسانه‌ها آن است که اصحاب مطبوعات توجه خود را به جای رویدادها بر فرایندها متمرکز کنند.

گزارش‌های مسئولان و نیز پرسش‌های متداول این حوزه کمتر مسئولی است که گزارشگران رادیو یا به طور کلی صدا و سیما را جدی بگیرد. خود من بارها و بارها شاهد چنین رفتارهایی از سوی مسئولان بوده‌ام. به قول معروف آنقدر که از «روزنامه‌ها حساب می‌برند» از رسانه ما دچار کوچکترین دغدغه و نگرانی نمی‌شوند. چه می‌دانند پرسش‌ها چه خواهد بود. چه کسی و با چه اطلاعاتی سؤال خواهد کرد و چگونه و کجا پخش خواهد شد. تفاوت‌های ویژه بازتاب یک گزارش یا خبر در روزنامه یا صدا و سیما مثل مکتوب بودن، مستند بودن، قابل تکثیر بودن و... بر ما پوشیده نیست و این معنا نباید باشد که عیب و آسیب نگاه منفعلانه و غیر حرفه‌ای به مصاحبه‌ها یا گزارش‌های مسئولان با رسانه رادیو را جدی نگیریم.

نتیجه‌گیری

در ابتدای این مجال سعی بر آن شد تا با ارائه تعریفی کاربردی از آسیب‌شناسی حرفه

- تعدیل نگاه استودیومحور و گوینده‌محور در برنامه‌سازی؛

- صرف وقت، آموزش و هزینه برای تربیت گزارشگران حرفه‌ای.

امید که این نوشتار، کمکی کوچک باشد در ارتقای کیفی گزارش‌ها و برنامه‌های رادیو تا از رهگذر آن، اسباب خدمت بهتر به رسانه‌ای باشد که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی آن را «چشم و گوش جهانی نظام» می‌داند.

منابع و مأخذ

توران علی (۱۳۸۴). **ساختارهای برنامه‌سازی در رادیو**، جشنواره رادیو، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). **دایره‌المعارف علوم اجتماعی (ج ۲)**، تهران: کیهان.

- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۰). **روش‌های مصاحبه خبری**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.